



۲۰۱۵ / ۰۸ / ۲۸



صالحه و هاب واصل

صلاحیت چیست و چه اشخاصی کدام صلاحیت ها را باید داشته باشند؟

این سؤال از مدتی به این سو ذهنم را به خود مصروف ساخته است. هر طرف مینگرم و میخوانم هموطنان ما از صلاحیت صحبت میکنند و با تأسف، خود در عالم داشتن عدم صلاحیت اشخاص با صلاحیت دیگر را که حد اقل در رشته خودش توانایی حد لازم را دارا هستند بی صلاحیت دانسته عملکردشان را نادرست اعلان میکنند.

تا جائیکه من میدانم مفهوم صلاحیت افراد به طور وسیع در مدیریت منابع انسانی استفاده می شود و مجموعه ای از توانمندیهای یک فرد است که باید در انجام عملکرد رضایت بخش باشد. در فرهنگ آکسفورد صلاحیت، توانایی انجام کارها به صورت موفقیت آمیز و اثربخش تعریف شده که شامل دانش و توانایی فرد و یا یک گروه می باشد. در حقیقت صلاحیت توانمندی فرد در ارائه عملکردی مطابق با استانداردهای قبلاً تعیین شده است که شامل میزان مناسب دانش و مهارت های یک فرد بوده، فرد را برای عملکرد در موقعیت های مختلف توانا می سازد. چون هر سطح از مسؤولیت دارای الزامات خاص خود است، صلاحیت می تواند در هر دوره از زندگی فرد یا در هر مرحله از شغل فرد وجود داشته باشد. لهذا صلاحیت و تعیین آن در عملکرد افراد، کار یک شخص نیست بلکه دانش و توانمندی فکری و قوت عملکرد همان شخص است که منبع و اساس اکادمیک می باشد.

قسمیکه همه میدانیم زن ستیزی و مرد سالاری دو مشخصه خاصیت که از سالیان متوالی به این طرف منحصبت یک مانع فوق العاده ای سد راه پیشرف زنان کشور ما بوده و اسلحه بسیار عظیم ولی رایگانی است که میتواند برای نابودی موقف و نام زن در قالب های مختلف به شکل متنوع توسط طبقه ذکور جامعه افغانی مورد استفاده قرار گیرد. آنچه از هموطنانی که صلاحیت علمی مستند دانشمندان با صلاحیت ما را مورد سؤال و تردید قرار می دهند و با بستن بهتان ها و گفته های رکیک و ناهنجار فقط از روی حسادت ها و خصومت های شخصی می کوشند خودشان را مورد توجه قرار داده در شبکات انترنتی مطرح سازند، آیا روی سطح علم و دانش و عملکرد و بالاخره صلاحیت های خود مکث کرده اند؟ آیا یک قدم به عقب رفته به القاب و نام هایی که به سویه ملی دارای یک عظمت و پذیرش است و به اشخاصی که شاید حتی سزاوار آن نبوده اند و داده شده است مکثی نموده اند؟ چرا در وقت تعیین القاب مانند قهرمان ملی، بابای ملت، مارشال..... و امثالهم که تمام ملت افغان در تعیین و پذیرش آن صلاحیت داشته و سهیم هستند، مهر خموشی و سکوت بر لب زدند و صدای شان را نکشیدند؟ چی اشخاص و یا کدام ارگان های این القاب را به آن اشخاص تعیین کرده بود؟ این اشخاص و یا گروه های که این القاب را با جهر در جاده ها ریخته گفتند و در ملای عام از آن پشتیبانی کردند و به زور بالای ملت مظلوم ما قبولاندند، کی ها بودند و از کدام صلاحیت برخوردار بودند. آیا این گروه و یا اشخاصی که این القاب را تصدیق کردند و کوشیدند ثبت تاریخ سازند به کدام صلاحیت این تصمیم را گرفتند و چگونه این القاب را سزاوار آن اشخاص دانستند؟

اما امروز که شخصی واقعاً با صلاحیت علمی که کارها و عملکرد وی با استناد مانند خورشید روشن و عیان است و هیچ دلیل برای خودنمایی و خودپرستی ندارد، می خواهد کار و اندوخته های دو زن افغان را که با جد و جهد و پشتکار که نتیجه استعداد توانایی خودشان میباشد، تقدیری به عمل می آورد، با اسماء اصلی و مستعار مورد تبصره های بی مورد قرار داده میکوشند با نوشتن نوشته های آکنده از توهین و تحقیر و کوچک ساختن، موسسیدان و بزرگان با صلاحیت ما را مورد تمسخر قرار داده، به جای پشتیبانی از اقدامات نیک شان برای تشویق و ترغیب یک دو خانم، مانع به کرسی نشاندن همچو هدفی گردیده او را تخریب می کنند. حالا ما این عمل نامطلوب همچو قلمبستان را که خود صلاحیت حتی همچو تبصره ها را هم شاید نداشته باشند، چه میتوانیم تلقی کنیم جز زن ستیزی و حسادت؟ شاید اعطاء این لقب بر مبنای نظرات و تبصره های مبصران و منتقدان منفی نگر اساس و پایه علمی و اکادمیک نداشته باشد، اما؛ همینکه گفته های جناب داکتر صاحب هاشمیان را یک کتله ای از دانشمندان با درک لیبک گفته

اشعار دو شاعره را مورد مطالعه و تحليل قرار داده و تبصره های نیک و عاری از هر نوع آرایش و کینه توزی شان را روی کاغذ آورده و برای تشویق این دو شاعره از آن پشتیبانی نموده اند، کافی باشد.

با حرمت

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ